



آیات ۳۱ تا ۳۳  
سوره مبارکه سباء

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَ  
لَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ  
مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ  
الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ أُسْتُضِعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا  
لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ الَّذِينَ  
اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ أُسْتُضِعُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ  
عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ  
﴿٣٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُسْتُضِعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا  
بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ  
بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا  
رَأَوُا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ  
كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾

چه کاری میتوانیم بکنیم که کسی ما را  
مستضعف نکند و خودمان باورمان نشود که  
ضعیف هستیم؟

چه چیزهایی باید در ما تقویت بشود؟

چه چیز هایی اگر در وجود ما نباشد  
مستکبرای اطرافمان میتوانند با ما مثل یک  
فرد ضعیف برخورد کنند؟

### تفاسیر پیشنهادی

آیه ۳۱: تفسیر المیزان

آیه ۳۲: تفسیر المیزان

آیه ۳۳: تفسیر المیزان



تفاسیر آیه ها



## نکات سخنرانی

این موقعیت گفتگوی دو طیف آدم هست در روز قیامت با هم روبروی می شوند. گروهی که کافر هستند و تکلیفشان معلوم است که خدا به آنها میگه مستکبر. به خدا و نشانه های او و کتب آسمانی ایمان نداشتن و گناه کردند و حالا نتیجه عمل خود را می بینند. اما عجیب گروهی هستند که به آنها می گویند مستضعف یعنی کسانی که شاید واقعا مستضعف نیستن ولی می خوان که ضعیف باش.

به نظر حتما برید و معنای دقیق لغوی این دو کلمه رو پیدا کنید. ویژگی های مستکبرین و مستضعفین رو میشه از معنای اون فهمید. چون تو عربی اسم گذاری ها دقیق هست و هر حالتی که در کلام پیدا میکنه معنای خاصی رو میرسونه. کمکتون میکنه رابطه مستضعف و خودباخته رو پیدا کنید

نظر شما درباره این مستضعفین چیه؟ اینها میگن ما کاره ای نبودیم این کافران ما رو گمراه کردند. چقدر عذرشون رو قبول می کنید؟ میگن شما گفتید ما به خدا اعتقاد نداشته باشیم. تو زندگی های خودمون هم مشابه این اتفاق و این بهانه ها زیاد پیش میاد. زیاد شنیده میشه. شما جای معلم مدرسه. وقتی به گروه تو مدرسه خراب کاری میکنن و در جواب شما بگن فلانی به ما گفت کلاس رو به هم بزنیم. شما چه جوابی بهش میدید؟ به نظر شما چی چیزی در وجود این مدل آدم ها کم هست که این قدر ضعیف هستن؟ آدمای عجیبی هستن این مستضعفین. حالا که بهانه ها را آوردند و دیدن که مستکبرین جوابشون رو دادن و با عذاب خدا مواجه میشن بازم ابراز پشیمانی نمی کنن؟ چرا آخه؟ چه چیزی در وجود این جماعت نهادینه شده که این رفتار رو دارن؟ چون قیامت جایی هست که ما واقعیت های خودمون رو نشون میدیم و جای فیلم بازی کردن نیست.

توجه کنید به این مسئله، به گفته مستضعفین مستکبر برای اینکه افراد را گمراه کند شبانه روز کار می کند. تکنیک های مستکبرین امروز و ابزار هایی که شبانه روز به کار می گیرد برای گمراه کردن مردم چی هستن؟ حالا بعد از شنیدن این حرفا ازت می خوام به سوالای ما جواب بدی: چکار میتوانیم بکنیم که کسی ما رو مستضعف نکنه و خودمون باورمون نشه که ضعیف هستیم؟ چه چیزهایی باید در ما تقویت بشه؟ چه چیز هایی اگر در وجود ما نباشه مستکبرای اطراف مون میتونن با ما مثل یک فرد ضعیف برخورد کنن؟

## به نام خداوند بخشنده مهربان

و کافران گفتند: ما به این قرآن و کتاب هایی که پیش از آن بوده است، هرگز ایمان نمی آوریم و اگر ستمکاران را زمانی که در پیشگاه پروردگارشان [برای محاکمه] بازداشت شده اند، ببینی در حالی که هر کدام گناه و بدبختی خود را بر عهده دیگری می اندازد [امر عجیبی می بینی] مستضعفان به مستکبران می گویند: اگر شما سر راه ما نبودید یقیناً ما مؤمن بودیم (۳۱)

مستکبران به آنان می گویند: آیا ما شما را از هدایت الهی بعد از آنکه به شما رسید باز داشتیم؟ [نه، باور نداریم] بلکه شما خودتان مجرم بودید (۳۲)

مستضعیفان به مستکبران می گویند: فریب شب و روز شما ما را گمراه کرد هنگامی که به ما دستور می دادید که به خداوند کافر شدیم و برای او شریکانی قرار دهیم، و چون عذاب الهی را می بینند، ندامت خود را مخفی می کنند و ما بر گردن کافران غل و زنجیر می نهیم آیا آنها پاداشی جز نتیجه اعمال خود دارند؟! (۳۳)





آیات ۶۹ تا ۷۳  
سوره مبارکه طه

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ  
واینک عصایی که در دست داری بیفکن تا (ازها شود و یکباره) بساط سحر و ساحری اینان را فرو ببرد  
سَّحَرُوا وَلَا يَفْلَحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ  
که کار اینان حيلة ساحری بیش نیست و ساحر هر جا رود او هر چه کند (هرگز فلاح و فیروزی نخواهد  
سَجَدُوا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ  
یافتند ﴿٦٩﴾ پس همه ساحران به سجده افتادند و گفتند: ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم ﴿٧٠﴾ فرعون  
قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ وَلَكَبِيرٌ كُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ  
گفت: شما چرا پیش از آنکه من اجازه دهم به موسی ایمان آوردید؟ معلوم است که او در سحر معلم  
فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَا صَلْبَتَكُمْ فِي  
شما بوده، باری من شما را دست و پا بر خلاف یکدیگر می برم و بر تنه نخلهای خرما به دار می آویزم  
جُنُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ إِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ﴿٧١﴾ قَالُوا لَنْ  
و خواهید دانست که عذاب امن و موسی کدام سخت تر و پاینده تر است ﴿٧١﴾ ساحران به فرعون پاسخ  
نُؤْتِرُكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرْنَا فَاقْضِ مَا  
دادند که ما تو را هرگز بر این معجزات آشکار که به ما آمده و بر خدایی که ما را آفریده مقدم نخواهیم  
أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا  
داشتی، پس در حق ما هر چه توانی بکن که هر ظلمی کنی همین حیات تو روزی دنیا است ﴿٧٢﴾ ما به  
لِيَعْفَرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السَّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ  
راستی به خدای خود ایمان آوردیم تا از خطاهای ما درگذرد و گناه سحری که تو ما را به اجبار بر آن  
وَأَبْقَى ﴿٧٣﴾

داشته ببخشند و (لطف و مغفرت) خدا بهتر و پاینده تر (از حیات فانی دنیا) است ﴿٧٣﴾

در برابر زورگو چه باید کرد؟

چه چیز هایی باعث میشود در یک مسیر  
محکم باشیم و ترس در مقابل مخالفین  
نداشته باشیم؟





## نکات سخnrانی

این موقعیت درباره تقابل حضرت موسی و فرعون است. فرعون برای خراب کردن حضرت موسی به جمعی از ساحران کارگشته می گوید هر آنچه در توان دارن به مصاف موسی بیاورند. آنها همه تلاش خود را می کنند اما چون در مسیر باطل هستند در برابر حقانیت موسی موفق نمی شوند. و از آنجا که خود متخصص سحر و جادو بودند فهمیدن معجزه موسی ع از جنس کار خودشان نیست و کاری فوق توان هاست. اینجاست که ساحران طرفدار موسی می شوند.

نکته مهم این است که خیلی از آدم ها در بحث ها متوجه اشتباه بودن حرف های خود می شوند اما کوتاه نمی آیند و بر حرف خود اصرار می کنند. در جنگ جمل زبیر با امیر المومنین حرف زد و امام علی ع نکته ای را به او از کلام رسول الله یادآوری می کنند و زبیر فهمید جنگ با امیر المومنین او را بیچاره می کند. اما وقتی به نزد لشکر خود برگشت باز به کار غلط که جنگ با امام بود ادامه داد و توسط امام به هلاکت رسید. چه چیزی در وجود زبیر بود که در مسیر غلط ماند ولی این ساحران ویژگی ای داشتند که سبب شد تا راه درست را دیدند سریع راه درست را انتخاب کنند.

در این آیه زور گو می خواهد خودش را بزرگ نشان دهد. جریان حق می ایستد و دقیقا در همان چیزی که دشمنش قدرت نمایی می کند او را به مبارزه دعوت می کند و او را زمین می زند. بچه های قرآنی این مثال شما رو یاد چه چیزی میندازه؟ دوستی داشتم در مدرسه مقهور یه گروه منفی شده بود چون تعداد دوستان اونها زیاد بود. بهش گفتم میشه یکی از نوکرای گروه منفی بشی میتونی یه گروه با دوستای مثبت بسازی. رفت و تونست فضای مدرسه رو تگون بده. شما بگید اگر قرار باشه در برابر زورگو ها بایستیم نیاز به چه چیز هایی داریم.

ساحران گفتن هر کاری خواستی بکن ما مسیر مون معلوم. امام گفت همه بکن درود بر خمینی برای من فرقی نمیکنه همه هم بکن مرگ بر خمینی برای من فرقی نمیکنه. چه باعث میشه سختی های دنیا جلوی بعضیا اینقدر راحت قابل تحمل میشه. ما یه حرفی رو که درست می دونیم گاهی چون احتمال داره پاسخ نامطلوبی بشنویم نمیزنیم. اما امام خمینی میگه همه عالم به سمت اشتباه برن من مشکلی ندارم خلاف جهت به سمت درست حرکت میکنم. ساحرانی ک همومن شدند چه هدفی پیدا کردند که این انرژی و قدرت رو به آنها داد؟ مکه هدف چقدر میتونه تاثیر داشته باشه؟

### تفاسیر پیشنهادی

آیه ۶۹: تفسیر اُطیب البیان فی تفسیر القرآن

آیه ۷۰: تفسیر اثنی عشری

آیه ۷۱: ترجمه تفسیر مجمع البیان

آیه ۷۲: تفسیر کاشف

آیه ۷۳: تفسیر کاشف



تفاسیر آیه ها



آیات ۲۴۹ تا ۲۵۰  
سوره مبارکه بقره

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَقَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلِقُوا اللَّهَ كَمَ بَدَأَ الْإِنسَانَ أَنَّهُ لَقَاءَ رَحْمَتِ اللَّهِ وَتَوَابِ آخِرَتٍ مُّعْتَقِدٍ بَدَأَ اللَّهُ قَدَمَ مَائِدَةٍ فَسَارَتْ بِهَا كَمَا سَارَتْ بِهَا الْيَوْمَ مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ بِنِازِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾

صبر چه جایگاهی در خودباوری دارد؟

چرا طالوت به یاران خود که در جنگ هستند سختی می دهد؟

چگونه جلوی جمعیت مخالف خودمان که زیاد تر هستند میشود ثابت قدم بود؟

## نکات سخنرانی

در موقعیت مربوط به جنگ سپاه طالوت با جالوت است. طالوت در مسیر حرکت به سمت میدان جنگ از یارانش امتحان میگیرد. طالوت به سپاهش می گوید یک کاری که همه انجام می دهند و عادی است مثل آب خوردن را انجام ندهید. همان طور که خدا میگوید در ماه مبارک همه غذا میخورن؟ تو اگر میخواهی بنده به درد بخور باشی نخور. اگر کسی گفت عبادات و امتحانای خدا سخت نیست اشتباه می کنه. اتفاقا بعضیاش خیلی هم سخته. اما سوال اینه به نظر شما این امتحانا و این سختی ها برای چیه؟ طالوت تو دم جنگ نیاز به یار داری چرا این امتحان را میگیری که یارانت کم بشن؟

امیر المومنین که حاکم شدند یه فرد مهمی که حضورش در یاران حضرت باعث می شد کل طرفداران او هم یار حضرت باشن یک اشتباه خیلی بد کرد. امام علی فرمود باید حد بخوره و جریمه بشه. طرفدارای اون آدم معروف و سلبریتی اومدن و گفتن عل اگه جریمه اش کردی ما دیگه یار تو نمی و مونیم و میریم یار معاویه میشیم. و امام علی گفت عدالت میگه این سلبریتی هم باید مثل بقیه جریمه بشن و یاران حضرت هم کم شد. آخه چرا؟

در مرحله بعد یه عده از سپاه طالوت از زیادی دشمن جا زدن و انصراف دادن. الان چند نفر از بازیگرا رسماً اعلام کردن حرف درست رو نمیزنن چون اکثر همکاراشون تحریم شون میکنن. به نظر شما چه ویژگی باید در وجود ما باشه تا بتونیم در برابر جمع زیادی از مخالفین بایستیم؟ چرا این آیه دو مرتبه به صبر تاکید کرده؟ هم فرموده الله مع الصابرين هم سپاهیان خوب طالوت اولین چیزی که از خدا می خوان صبر هست و بعد ثابت قدمی؟ رابطه خودباور بودن و قوی بودن با صبر چیه؟

### تفاسیر پیشنهادی

آیه ۲۴۹: تفسیر شریف لاهیجی  
آیه ۲۵۰: کبیر منهج الصادقین فی إلیزام  
المخالفین



تفاسیر آیه ها



آیات ۱۳۷ تا ۱۳۹  
سوره مبارکه اعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ

بعد از نابودی فرعونیان مشرقها و مغربهای پربرکت زمین را در اختیار مردم ضعیف قرار دادیم و وعده نیک

وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ

پروردگارت درباره فرزندان اسرائیل به پادشاه صبری که کرده بودند، انجام گرفت و آنچه را فرعون و قوم او از

عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ

قصرها و بناهای پرزرق و برق ساخته بودند، نابود ساختیم ﴿۱۳۷﴾ فرزندان اسرائیل را از دریا عبور دادیم در بین

فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿۱۳۸﴾ وَجَوَّزْنَا بِبَنِي

راه به مردمی برخورد کردند که با تواضع اطراف پتهای خود را گرفته بودند گفتند: ای موسی! تو هم برای

إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَاتُوا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ

ما بتی قرار ده همان گونه که اینها معبودانی دارند موسی گفت: شما مردمی نادانید ﴿۱۳۸﴾ این مردم بت

قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ

پرست کارشان نابودشدنی و رفتارشان باطل است ﴿۱۳۹﴾

تَجْهَلُونَ ﴿۱۳۸﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ وَبِطُلَّ مَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۹﴾

اصلی ترین عیب یاران موسی ع در مواجهه با  
یک تمدن جدید چه بود؟

علت اصلی خود باختگی یاران موسی چه  
بود؟

در برابر درخواست ها و حرف های اشتباه  
دوستان چه باید کرد؟

## نکات سخنرانی

موقعیت درباره پیروان حضرت موسی است که همراه با ازدست فرعون فرار کردند و خدا ایشان را با معجزه شکافتن دریا نجات داد و به آنها نعمت زیادی داد. حالا در مسیر مهاجرت با جماعتی بت پرست مواجه می شوند و از موسی ع می خواهند که برای آنها بتی را مشخص کند. اگر در جای قوی بودیم و خودباور گمان نکنیم کار تمام است. ما هر روز باید خودباوری خود را بیشتر کنیم و در برابر عوامل مختلف خودباختگی مقاوم شویم. یاران موسی در برابر فرعونی که استخف قومه و به آنها ظلم می کرد مقاوم شد و او را شکست داد اما عوامل دیگر خودباختگی آنها را ضعیف کرد. آنها در مبارزه میدانی با فرعون پیروز شدن اما تا یک تمدن و مدل زندگی جدید مثل بت پرستان مواجه شدند خود را باختند.

کما اینکه جوانان ما در جنگ در برابر قدرت نظامی دنیا پیروز شدند اما بعد از جنگ غرب آمد و زیبایی هایی از مدل زندگی خودش را در فیلم ها پخش کرد. یه عده گفتند این مدل زندگی بهترین مدل هست ما هم از این مدل می خواهیم.

به نظر شما مشکل یاران موسی ع چه و در برابر زیبایی های یک تمدن جدید که بت پرست بودند چه باید می کردند تا به خطا نروند که این کار را نکردند؟ چه ضعفی در وجوشان بود که خود و مسیر حق خود را فروختند؟ شما به راهی رو برای این مدل آدم ها پیشنهاد میدید؟ خیلی ها میگویند ما باید رفاه کامل داشته باشیم با احساس خودباوری داشته باشیم. اگه حساب بانکی مون پر نباشه همیشه قوی بود. اما در این آیه میبینیم یاران موسی که از نعمت های خوب بهره مندند و خدا بهتون برتری هم داده اما باز با دیدن یک جلوه و زیبایی دیگه رنگ میبازن. رابطه دارا بودن و خودباوری در چیست؟

موسی به یاران خود میگه جاهل اینجا است که تلاش میکنه به دوستانش کمک کنه. با برتری و پیروزی اونا قوی نمیشن بلکه باید از درون قوی باشن. جهل اونها باید برطرف بشه. اونها نسبت به چه چیزی جهل داشتند؟

نکته جالب در نوع برخورد موسی ع هست که وقتی جمعی از یارانش دچار جهل شدند میدونه دیگه مبارزه جواب نمیده. موسی از چه راهکاری برای همراه کردن یارانش استفاده کرد؟

### تفاسیر پیشنهادی

آیه ۱۳۷: ترجمه تفسیر جوامع الجامع

آیه ۱۳۸: تفسیر نور

آیه ۱۳۹: تفسیر اثنی عشر



تفاسیر آیه ها